Submit Date: 30 June 2026
Revise Date: 04 October 2026
Accept Date: 11 October 2026
Initial Publish: 22 November 2026
Final Publish: 22 December 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Explanation and Analysis of Civil Liability Arising from the Termination of Engagement under Iranian Positive Law

Mozhgan Mirnajafi[1]*

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Khoy.C., Islamic Azad University, Khoy, Iran

* Corresponding Author's Email: mirnajafi@Iau.ac.ir

ABSTRACT

Engagement in Iranian law constitutes a preliminary stage before marriage and, although it may generate significant social and financial consequences, it does not in itself create a legally enforceable obligation to conclude a marriage. The principle of freedom of choice in marriage requires that either party remain free to withdraw from the relationship before the marriage contract is concluded. Nevertheless, the legitimacy of withdrawal does not necessarily exclude civil liability where the conduct of one party during or at the termination of the engagement independently causes legally recognizable harm. This study examines the scope of civil liability arising from the termination of engagement and distinguishes between the mere refusal to marry and separate wrongful conduct. Using a descriptive-analytical method and focusing on Iranian positive law, the study analyzes the legal nature of engagement, the foundations and conditions of liability, and the categories of compensable damage. The findings indicate that liability in this context cannot properly be based on breach of a contractual obligation to marry. Rather, where liability arises, it is predominantly non-contractual and depends on the existence of wrongful conduct, actual damage, and a causal relationship between the two. Conduct such as deception, misrepresentation, unjustified inducement of reliance, negligent delay in communicating a final decision, imposition of unreasonable expenditures, disclosure of private information, and injury to dignity or reputation may, subject to the required conditions, give rise to liability. By contrast, losses resulting solely from the ordinary emotional or social consequences of a failed engagement should generally remain non-compensable. The appropriate legal approach is therefore to preserve freedom of marriage while ensuring compensation for independently wrongful and unjustified harm.

Keywords: *Engagement, Civil Liability, Termination of Engagement, Damages, Freedom of Marriage, Family Law.*

How to cite: Mirnajafi, M. (2026). Explanation and Analysis of Civil Liability Arising from the Termination of Engagement under Iranian Positive Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *4*(5), 1-18.

تاریخ ارسال: ۹ تیر ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۲ مهر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۹ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۱ آذر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تبیین و تحلیل مسئولیت مدنی برهم زدن نامزدی در حقوق موضوعه ایران

مژگان میرنجفی[1*]

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران
* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mirnajafi@Iau.ac.ir

چکیده

نامزدی در حقوق ایران مرحله‌ای مقدماتی پیش از ازدواج است که با وجود برخورداری از آثار اجتماعی و بعضاً مالی، به‌خودی‌خود موجب ایجاد الزام حقوقی به انعقاد نکاح نمی‌شود. اصل آزادی اراده در انتخاب همسر اقتضا دارد که هر یک از طرفین تا پیش از وقوع عقد نکاح بتواند از ادامه رابطه و ازدواج منصرف شود. با این حال، مشروع بودن اصل عدول از نامزدی مانع از آن نیست که شیوه رفتار یکی از طرفین در جریان یا هنگام پایان نامزدی در شرایط خاص موجب مسئولیت مدنی شود. مسئله اصلی این پژوهش، تعیین حدود مسئولیت مدنی ناشی از برهم زدن نامزدی و تفکیک میان صرف امتناع از ازدواج و رفتار زیان‌بار مستقل است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با تمرکز بر حقوق موضوعه ایران، ماهیت حقوقی نامزدی، مبانی مسئولیت، شرایط تحقق آن و قلمرو خسارات قابل جبران را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت ناشی از برهم زدن نامزدی را نمی‌توان بر مبنای نقض تعهد قراردادی به ازدواج توجیه کرد، بلکه در صورت تحقق، ماهیتی عمدتاً قهری دارد و بر وجود رفتار زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه سببیت استوار است. رفتارهایی مانند فریب، ارائه اطلاعات خلاف واقع، ایجاد اعتماد ناموجه، تأخیر تقصیرآمیز در اعلام تصمیم نهایی، تحمیل هزینه‌های غیرمتعارف، افشای اسرار خصوصی و لطمه به حیثیت می‌توانند در صورت تحقق سایر شرایط، مبنای مسئولیت قرار گیرند. در مقابل، خساراتی که صرفاً ناشی از پایان طبیعی رابطه و عدم تحقق ازدواج هستند، اصولاً نباید قابل جبران تلقی شوند. نتیجه آنکه توازن میان آزادی ازدواج و ضرورت جبران زیان ناروا باید محور اصلی تحلیل قضایی در این حوزه باشد.

کلیدواژگان: *نامزدی، مسئولیت مدنی، برهم زدن نامزدی، خسارت، آزادی ازدواج، حقوق خانواده.*

نحوه استناددهی: میرنجفی، مژگان. (۱۴۰۵). تبیین و تحلیل مسئولیت مدنی برهم زدن نامزدی در حقوق موضوعه ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۵)، ۱۸-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

نامزدی در نظام حقوقی ایران از جمله نهادهایی است که در مرز میان روابط خانوادگی، تعهدات اخلاقی و قواعد مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد و همین ویژگی موجب شده است تعیین آثار حقوقی ناشی از برهم خوردن آن همواره با دشواری‌های نظری و عملی همراه باشد. از یک سو، نامزدی معمولاً در عرف اجتماعی به‌عنوان مرحله‌ای جدی و مقدماتی برای تشکیل خانواده تلقی می‌شود و طرفین، خانواده‌ها و حتی اشخاص ثالث ممکن است بر مبنای اعتماد به تحقق ازدواج، تصمیم‌های اقتصادی، اجتماعی و شخصی متعددی اتخاذ کنند. از سوی دیگر، اصل آزادی اراده در انتخاب همسر و اهمیت رضایت واقعی در انعقاد نکاح ایجاب می‌کند که هیچ‌یک از دو طرف صرفاً به دلیل وجود نامزدی ملزم به انعقاد عقد نکاح نباشد. قانون مدنی ایران نیز با پذیرش همین منطق، نامزدی را سبب ایجاد الزام حقوقی به ازدواج نمی‌داند و به هر یک از طرفین اجازه می‌دهد تا پیش از وقوع عقد نکاح از تصمیم خود منصرف شود. در نتیجه، صرف برهم زدن نامزدی را نمی‌توان به‌طور مطلق یک رفتار غیرقانونی و موجب مسئولیت دانست، بلکه مسئله اصلی این است که در چه شرایطی شیوه اعمال حق عدول از ازدواج یا رفتارهای همراه با آن می‌تواند موجب ورود زیان ناروا به طرف مقابل شود و مسئولیت مدنی را به دنبال داشته باشد. این تمایز میان «حق عدول از نامزدی» و «مسئولیت ناشی از نحوه اعمال این حق» محور اساسی تحلیل حقوقی موضوع را تشکیل می‌دهد.

از نظر ماهیت حقوقی، نامزدی را نمی‌توان به‌آسانی در قالب یکی از قراردادهای معین یا حتی یک قرارداد الزام‌آور برای ازدواج قرار داد. در حقوق خانواده، اراده طرفین در امر نکاح از اهمیت بنیادین برخوردار است و پذیرش الزام به انعقاد ازدواج با فلسفه رضایی بودن و آزادی انتخاب در نکاح تعارض پیدا می‌کند. بر همین اساس، وعده ازدواج اصولاً تعهدی ایجاد نمی‌کند که بتوان اجرای عین آن را از دادگاه مطالبه کرد. برخی از نویسندگان حقوق خانواده، نامزدی را مرحله‌ای پیش از عقد می‌دانند که هدف اصلی آن فراهم کردن امکان شناخت بیشتر و تصمیم‌گیری نهایی درباره ازدواج است و به همین سبب، آثار آن را باید از آثار خود نکاح کاملاً متمایز دانست (Jalali, 2010). در ادبیات حقوق مدنی نیز تأکید شده است که توافق بر ازدواج آینده به دلیل ویژگی شخصی و غیرمالی نکاح نمی‌تواند مانند تعهدات مالی متعارف تحلیل شود و هیچ شخصی را نمی‌توان از طریق ضمانت اجراهای قراردادی به تشکیل زندگی مشترک وادار کرد (Shahidi, 2010). بنابراین، آزادی در تصمیم نهایی نسبت به ازدواج، نقطه آغاز هرگونه تحلیل درباره مسئولیت ناشی از برهم خوردن نامزدی است.

با این حال، عدم الزام به ازدواج به معنای عدم وجود هرگونه مسئولیت در مرحله نامزدی نیست. ممکن است یکی از طرفین از ابتدا بدون قصد واقعی ازدواج وارد رابطه نامزدی شده باشد، طرف مقابل را برای مدتی طولانی در وضعیت انتظار نگه دارد، او را به انجام هزینه‌های سنگین وادار کند، درباره شرایط اساسی خود اطلاعات خلاف واقع ارائه دهد، با رفتار خود اعتماد مشروعی نسبت به تحقق ازدواج ایجاد کند و سپس بدون توجه به پیامدهای رفتار خویش و در شرایطی که زیان قابل پیش‌بینی بوده است، رابطه را برهم زند. همچنین ممکن است شیوه پایان دادن به نامزدی با توهین، افشای اسرار خصوصی، نسبت دادن مطالب خلاف واقع، لطمه به آبرو یا رفتارهایی همراه باشد که مستقل از اصل عدول از ازدواج، واجد وصف زیان‌بار باشد. در چنین وضعیتی، تحلیل موضوع صرفاً بر مبنای قواعد ویژه نامزدی کافی نیست و باید به قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیز مراجعه کرد. مسئولیت مدنی در معنای عام، ناظر بر الزام شخص به جبران زیانی است که بدون مجوز قانونی و در نتیجه رفتار قابل انتساب او به دیگری وارد شده است (Katouzian, 2009). از این رو، امکان جداسازی اصل آزادی در برهم زدن نامزدی از مسئولیت ناشی از رفتار زیان‌بار

پیرامون آن، زمینه‌ای را فراهم می‌کند که هم آزادی ازدواج حفظ شود و هم زیان‌های ناروا بدون جبران باقی نماند.

در حقوق موضوعه ایران، مواد مربوط به نامزدی در قانون مدنی چارچوب اولیه این موضوع را مشخص می‌کنند. مفاد ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی به‌روشنی بر این نکته دلالت دارد که وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند و حتی اگر تمام یا بخشی از مهریه مورد توافق قرار گرفته باشد، طرفین تا پیش از عقد نکاح می‌توانند از وصلت امتناع کنند. اهمیت این حکم در آن است که قانون‌گذار میان توافق مقدماتی برای ازدواج و خود عقد نکاح تفاوت قائل شده و نخواسته است رضایت اولیه در مرحله نامزدی جایگزین اراده نهایی در زمان انعقاد نکاح شود. این برداشت با دیدگاهی سازگار است که نکاح را دارای ماهیتی خاص و مبتنی بر رضایت آزاد و قطعی طرفین می‌داند و بنابراین تحمیل ازدواج را نه با ماهیت نکاح و نه با نظم عمومی خانواده سازگار نمی‌شمارد (Emami, 1997). در عین حال، مقررات بعدی مربوط به استرداد هدایا و آثار مالی ناشی از برهم خوردن نامزدی نشان می‌دهد که قانون‌گذار به نتایج مالی دوران نامزدی بی‌توجه نبوده و کوشیده است دست‌کم بخشی از روابط ایجادشده در این مرحله را سامان دهد (Haeri Shahbagh, 2003).

مسئله اصلی این پژوهش از همین نقطه شکل می‌گیرد که آیا حق قانونی هر یک از نامزدها برای برهم زدن نامزدی، مانع از تحقق مسئولیت مدنی در تمام حالات است یا آنکه ممکن است در برخی وضعیت‌ها، شرایط مسئولیت مدنی با وجود مشروع بودن اصل عدول فراهم شود. پاسخ به این پرسش مستلزم تفکیک میان «عدول» و «تقصیر» است. عدول، صرف انصراف از ازدواج است و قانون آن را به رسمیت شناخته است؛ اما تقصیر می‌تواند در رفتارهایی مانند فریب، پنهان‌کاری عمدی، ایجاد هزینه‌های غیرمتعارف برای طرف مقابل، سوءاستفاده از اعتماد وی، تأخیر بی‌دلیل در اعلام تصمیم قطعی، انتشار اطلاعات خصوصی یا تحقیر و آسیب‌رسانی اجتماعی متجلی شود. به بیان دیگر، هیچ شخصی را نمی‌توان به سبب نپذیرفتن ازدواج مجبور به جبران خسارت کرد، اما این اصل نباید به پوششی برای رفتارهای زیان‌بار و سوءاستفاده‌آمیز تبدیل شود. نظریه عمومی تعهدات نیز میان عدم اجرای تعهد قانونی و مسئولیت ناشی از رفتار مستقل زیان‌بار تفاوت قائل است و وجود حق در یک حوزه را لزوماً مانع مسئولیت ناشی از نحوه اعمال آن حق نمی‌داند (Amiri Ghaemmaghami, 1999).

اهمیت موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که تحولات اجتماعی مرتبط با نامزدی در نظر گرفته شود. در بسیاری از موارد، فاصله زمانی میان نامزدی و عقد رسمی طولانی شده و در این فاصله، طرفین ممکن است روابط گسترده خانوادگی، مالی و اجتماعی برقرار کنند. هزینه‌های مراسم، خرید کالاهای مرتبط با ازدواج، اجاره یا تجهیز مسکن، ترک فرصت‌های شغلی یا تحصیلی، تغییر محل سکونت، تهیه جهیزیه یا وسایل مورد نیاز زندگی مشترک و حتی تصمیم‌های اقتصادی بلندمدت ممکن است بر مبنای اعتماد به ازدواج آینده اتخاذ شود. از سوی دیگر، ماهیت عاطفی رابطه نامزدی می‌تواند در صورت برهم خوردن آن، زیان‌های غیرمالی و حیثیتی نیز ایجاد کند. با این حال، اگر هر زیان ناشی از شکست نامزدی قابل مطالبه تلقی شود، نتیجه آن ایجاد فشاری غیرمستقیم برای ازدواج و محدود کردن آزادی اشخاص خواهد بود. بنابراین، ضرورت دارد میان خسارتی که نتیجه طبیعی و اجتناب‌ناپذیر اعمال حق انصراف است و خسارتی که ناشی از رفتار تقصیرآمیز و نامتعارف یکی از طرفین است، تفاوت گذاشته شود.

هدف این پژوهش تبیین مبانی و شرایط مسئولیت مدنی ناشی از برهم زدن نامزدی در حقوق موضوعه ایران و تعیین حدود خسارات قابل جبران در چنین مواردی است. پرسش اصلی آن است که با وجود پذیرش حق هر یک از نامزدها برای عدول از ازدواج، در چه شرایطی می‌توان شخصی را که نامزدی را برهم زده

است مسئول جبران خسارات طرف مقابل دانست. در ادامه، این پرسش مطرح می‌شود که مبنای مسئولیت در این حوزه باید قراردادی تلقی شود یا قهری، چه نقشی برای تقصیر و سوءاستفاده از حق می‌توان قائل شد، چه نوع خساراتی قابلیت جبران دارد و دادگاه در احراز رابطه سببیت میان رفتار نامزد و زیان ادعایی با چه معیارهایی باید عمل کند. روش تحقیق توصیفی ـ تحلیلی است و با بررسی مقررات قانون مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی و دیدگاه‌های حقوق‌دانان، تلاش می‌شود تعادلی میان اصل آزادی ازدواج و ضرورت جبران زیان ناروا برقرار شود.

مفهوم، ماهیت حقوقی و مبانی نامزدی در حقوق ایران

نامزدی در مفهوم حقوقی، وضعیتی مقدماتی پیش از ازدواج است که در آن دو شخص قصد خود را برای بررسی و احتمالاً تحقق ازدواج در آینده اعلام می‌کنند، بدون آنکه هنوز رابطه زوجیت میان آنان ایجاد شده باشد. از نظر عرفی، نامزدی ممکن است با مراسم خانوادگی، توافقات مقدماتی، تبادل هدایا و حتی تعیین برخی شرایط مربوط به ازدواج همراه باشد، اما این امور به‌خودی‌خود موجب تحقق نکاح نمی‌شوند. تمایز میان نامزدی و عقد نکاح از این جهت اهمیت دارد که بسیاری از آثار حقوقی خانواده تنها پس از انعقاد عقد ایجاد می‌شوند. حقوق و تکالیف زوجین، نفقه، تمکین، ارث میان زوجین و سایر آثار قانونی ازدواج در مرحله نامزدی وجود ندارد. حقوق‌دانان خانواده بر این نکته تأکید دارند که نامزدی نه رابطه زوجیت است و نه وضعیتی که تمام آثار مقدماتی نکاح را ایجاد کند، بلکه تنها مرحله‌ای است که امکان تصمیم‌گیری نهایی برای ازدواج را فراهم می‌آورد (Vafadar, 2001). از همین رو، هرگونه تحلیل مسئولیت در این مرحله باید با حفظ تفاوت بنیادین آن با عقد نکاح انجام گیرد.

از منظر مفهومی، باید میان «نامزدی»، «وعده ازدواج» و «توافق بر شرایط ازدواج» نیز تفاوت قائل شد. وعده ازدواج ممکن است صرفاً اظهار تمایل یک یا هر دو طرف به ازدواج آینده باشد، در حالی که نامزدی در معنای اجتماعی معمولاً نشان‌دهنده مرحله‌ای جدی‌تر از تعامل و شناخت است. با وجود این، شدت یا رسمیت عرفی این رابطه نمی‌تواند ماهیت حقوقی آن را به‌گونه‌ای تغییر دهد که الزام به نکاح ایجاد کند. حتی توافق بر مهریه، زمان ازدواج، محل زندگی، شیوه برگزاری مراسم یا سایر شرایط مقدماتی نیز تا پیش از انعقاد عقد نکاح نمی‌تواند به‌تنهایی جایگزین اراده نهایی و ایجاب و قبول لازم برای تحقق ازدواج شود. در آثار حقوقی، اراده‌ای که برای تشکیل عقد نکاح معتبر است باید در هنگام انعقاد عقد وجود داشته باشد و رضایت گذشته یا وعده پیشین نمی‌تواند به‌طور جبری جایگزین آن شود (Emami, 1997). بر همین اساس، اصل قابلیت عدول از نامزدی نه یک استثنا، بلکه لازمه ماهیت آزاد و شخصی ازدواج محسوب می‌شود.

در تحلیل ماهیت حقوقی نامزدی، نظریه قراردادی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است. اگر نامزدی به‌عنوان قرارداد الزام‌آور به ازدواج تلقی شود، باید برای نقض آن نیز ضمانت اجراهای قراردادی در نظر گرفته شود، در حالی که قانون چنین نتیجه‌ای را نمی‌پذیرد. تعهد قراردادی معمولاً مبتنی بر این فرض است که متعهد در صورت تخلف، یا به اجرای تعهد مجبور شود یا خسارت ناشی از عدم اجرای آن را جبران کند. اما در مورد ازدواج، اجبار به اجرای تعهد با آزادی اراده و شخصیت انسانی طرفین ناسازگار است. حتی پذیرش خسارت به‌صرف خودداری از ازدواج نیز ممکن است به نوعی اجبار غیرمستقیم منتهی شود؛ زیرا شخص را در برابر دو انتخاب قرار می‌دهد: ازدواج برخلاف اراده واقعی یا تحمل مسئولیت مالی به دلیل عدم ازدواج. حقوق تعهدات در مواردی که موضوع تعهد با شخصیت و آزادی‌های اساسی فرد پیوند دارد، نمی‌تواند همان سازوکارهای معمول قراردادهای مالی را بدون تعدیل اعمال کند (Shahidi, 2010). از این رو، تفسیر قراردادمحور از نامزدی باید با احتیاط بسیار صورت گیرد.

ماهیت خاص نامزدی موجب شده است که برخی نویسندگان آن را وضعیتی حقوقی یا رابطه‌ای پیش‌قراردادی بدانند که ممکن است آثار محدودی داشته باشد، اما الزام به انعقاد عقد اصلی را ایجاد نمی‌کند. چنین تحلیلی با واقعیت اجتماعی نامزدی نیز سازگارتر است؛ زیرا طرفین در این دوره ممکن است بر مبنای اعتماد متقابل تصمیم‌ها و اقداماتی انجام دهند، اما در عین حال باید امکان بازنگری در تصمیم به ازدواج را داشته باشند. حقوق خانواده بر اهمیت شناخت متقابل پیش از نکاح تأکید می‌کند و این شناخت زمانی معنا دارد که نتیجه آن از پیش قطعی و غیرقابل تغییر نباشد (Jalali, 2010). اگر نامزدی به تعهدی الزام‌آور تبدیل شود، کارکرد دوره شناخت و امکان ارزیابی سازگاری طرفین عملاً از میان می‌رود. بنابراین، آزادی عدول یکی از عناصر درونی و ذاتی نهاد نامزدی است و نباید آن را رفتاری استثنایی یا ذاتاً نامشروع تلقی کرد.

ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی، مهم‌ترین مبنای قانونی این تحلیل است. از مفاد این ماده برمی‌آید که وعده ازدواج علقه زوجیت ایجاد نمی‌کند و تا زمانی که عقد نکاح واقع نشده است، هر یک از زن و مرد می‌تواند از وصلت امتناع کند. همچنین هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند صرفاً به دلیل امتناع دیگری از ازدواج، او را به انعقاد نکاح مجبور کند. شرح‌های حقوقی قانون مدنی این حکم را ناشی از اهمیت رضایت آزاد در نکاح و ضرورت جلوگیری از تبدیل روابط خانوادگی به تعهدات اجبارپذیر می‌دانند (Haeri Shahbagh, 2003). بنابراین، اصل نخست در حقوق نامزدی آن است که «عدول» مشروع است و برای مشروعیت آن لزوماً ارائه دلیل خاصی لازم نیست. حتی اگر یکی از طرفین پس از مدتی تشخیص دهد که ازدواج با دیگری با منافع شخصی یا خانوادگی او سازگار نیست، در اصل حق دارد از ازدواج خودداری کند.

با این حال، مشروع بودن عدول به معنای مشروع بودن تمام رفتارهای مرتبط با آن نیست. این تمایز را باید با مفهوم سوءاستفاده از حق توضیح داد. ممکن است شخصی در اصل دارای حق باشد، اما شیوه اعمال این حق خارج از حدود متعارف، همراه با قصد اضرار یا برخلاف حسن رفتار اجتماعی باشد. هرچند حقوق ایران یک قاعده عام و تفصیلی درباره سوءاستفاده از حق در همه حوزه‌ها ندارد، اصول کلی مسئولیت مدنی اجازه می‌دهد اعمال حقوق فردی در صورتی که به‌صورت نامتعارف و زیان‌بار انجام شود، مورد ارزیابی قرار گیرد. نظریه مسئولیت مدنی بر این اساس بنا شده است که مشروعیت یک رفتار باید نه‌فقط از حیث وجود حق، بلکه از منظر نحوه اعمال آن و آثار زیان‌بار قابل انتساب نیز سنجیده شود (Katouzian, 2009). در زمینه نامزدی، این دیدگاه بدین معناست که حق برهم زدن رابطه محفوظ است، اما شخص نمی‌تواند به استناد این حق، هر نوع رفتار فریبکارانه، تحقیرآمیز یا زیان‌آفرین را توجیه کند.

جایگاه اعتماد در دوران نامزدی نیز در تحلیل ماهیت رابطه اهمیت دارد. هرچند نامزدی عقد الزام‌آور به ازدواج نیست، معمولاً نوعی اعتماد اجتماعی و شخصی میان طرفین ایجاد می‌کند. یکی از طرفین ممکن است با اتکا به اظهارات و رفتارهای طرف دیگر، هزینه‌هایی انجام دهد یا فرصت‌هایی را از دست بدهد. با این حال، صرف اعتماد نیز برای ایجاد مسئولیت کافی نیست و باید بررسی شود که آیا این اعتماد از نظر حقوقی موجه و قابل حمایت بوده است یا خیر. اگر طرفین از ابتدا می‌دانند که نامزدی مرحله‌ای غیرقطعی است و امکان عدول وجود دارد، برخی هزینه‌ها و تصمیم‌های شخصی را باید بخشی از ریسک طبیعی این دوره دانست. اما هرگاه یکی از طرفین با رفتار خود اطمینانی فراتر از وضعیت معمول ایجاد کند و طرف مقابل را عمداً یا بر اثر بی‌احتیاطی جدی به انجام هزینه‌های غیرمتعارف سوق دهد، امکان استناد به قواعد مسئولیت مدنی تقویت می‌شود. در نظریه تعهدات، اعتماد ناشی از رفتار اشخاص می‌تواند در ارزیابی تقصیر و رابطه

سببیت نقش داشته باشد، هرچند الزام اصلی قراردادی وجود نداشته باشد (Amiri Ghaemmaghami, 1999).

از نظر تاریخی و تقنینی نیز مقررات مربوط به نامزدی در حقوق ایران نشان‌دهنده تلاش برای برقراری توازن میان آزادی در ازدواج و حمایت از برخی آثار مالی دوره نامزدی است. قواعد مربوط به هدایا نمونه روشن این رویکرد است. هدیه‌ای که به مناسبت وصلت داده شده، ممکن است در صورت برهم خوردن نامزدی تحت شرایطی قابل استرداد باشد، زیرا مبنای اجتماعی و انگیزه اعطای آن تحقق ازدواج آینده بوده است. تحلیل این مقررات نشان می‌دهد قانون‌گذار بدون آنکه نامزدی را قرارداد الزام‌آور بداند، آثار اقتصادی ناشی از آن را نادیده نگرفته است (Amirmohammadi, 2009). این امر می‌تواند مبنایی برای پذیرش این دیدگاه باشد که برخی روابط مالی یا زیان‌های مستقل از اصل ازدواج، قابلیت ارزیابی حقوقی دارند.

از سوی دیگر، نمی‌توان نامزدی را صرفاً یک رابطه اخلاقی تلقی کرد که کاملاً از قلمرو حقوق خارج است. درست است که بخش بزرگی از رفتارهای دوران نامزدی تابع اخلاق، عرف و مناسبات خانوادگی است، اما هنگامی که رفتار یکی از طرفین به مال، حیثیت، آزادی یا حقوق شخصیت طرف دیگر لطمه وارد می‌کند، قواعد حقوقی مداخله می‌کنند. تعریف مسئولیت مدنی و تفکیک آن از مسئولیت اخلاقی نشان می‌دهد که حقوق زمانی وارد عمل می‌شود که زیانی قابل شناسایی، رفتار قابل انتساب و رابطه سببیت میان آنها وجود داشته باشد (Jafari Langroudi, 2008).

بنابراین، در تحلیل نامزدی باید از دو افراط پرهیز کرد: از یک سو، نباید هر وعده ازدواج را تعهد الزام‌آور دانست و از سوی دیگر، نباید تمام رفتارهای دوره نامزدی را خارج از قلمرو مسئولیت مدنی تلقی کرد.

این تفکیک در عمل اهمیت فراوانی دارد. فرض شود شخصی پس از چند ماه نامزدی صرفاً به دلیل عدم سازگاری شخصیتی از ازدواج منصرف می‌شود. اصل این تصمیم نباید موجب مسئولیت باشد، حتی اگر طرف مقابل از نظر عاطفی آسیب ببیند یا برخی هزینه‌های معمول را انجام داده باشد. اما اگر همان شخص از ابتدا قصد ازدواج نداشته و صرفاً با هدف بهره‌برداری مالی یا عاطفی وارد رابطه شده باشد، یا با ارائه اطلاعات نادرست طرف مقابل را به هزینه‌های سنگین واداشته باشد، وضعیت متفاوت خواهد بود. در حالت دوم، مسئولیت نه به دلیل «عدم ازدواج»، بلکه به دلیل «رفتار زیان‌بار مستقل» مطرح می‌شود. این تمایز، کلید جلوگیری از تعارض میان مسئولیت مدنی و آزادی ازدواج است.

در نهایت، ماهیت حقوقی نامزدی را می‌توان رابطه‌ای مقدماتی، غیرالزام‌آور نسبت به اصل ازدواج، اما دارای برخی آثار حقوقی مستقل دانست. این رابطه در قلمرو حقوق خانواده شکل می‌گیرد، ولی آثار زیان‌بار آن ممکن است تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی باشد. اصل آزادی ازدواج اقتضا دارد که هیچ‌کس صرفاً به دلیل تغییر تصمیم خود مسئول شناخته نشود، اما اصل منع اضرار نیز اقتضا می‌کند که آزادی مزبور به مصونیت مطلق در برابر رفتارهای زیان‌آور تبدیل نشود. از همین رو، تشخیص مسئولیت در هر پرونده باید بر اساس مجموعه‌ای از عوامل مانند نحوه شکل‌گیری نامزدی، مدت رابطه، سطح اعتماد ایجادشده، رفتار طرفین، نوع هزینه‌ها، زمان و شیوه اعلام انصراف و وجود یا فقدان رفتار فریبکارانه یا نامتعارف صورت گیرد.

مبانی و شرایط تحقق مسئولیت مدنی ناشی از برهم زدن نامزدی

مسئولیت مدنی ناشی از برهم زدن نامزدی را نمی‌توان صرفاً بر پایه این گزاره استوار کرد که یکی از طرفین از ازدواج منصرف شده است، زیرا چنین برداشتی با اصل قانونی آزادی عدول از نامزدی تعارض دارد. بنابراین، نخستین گام در تحلیل مسئولیت آن است که میان خودِ تصمیم به عدم ازدواج و رفتارهای زیان‌بار مقدم، مقارن یا مؤخر بر این تصمیم تفکیک شود. اگر مسئولیت تنها به دلیل امتناع از ازدواج ایجاد شود، در عمل ماده ۱۰۳۵ قانون

مدنی بی‌اثر خواهد شد؛ زیرا شخص هرچند ظاهراً آزاد به عدول است، اما با تهدید مسئولیت مالی ناشی از اصل عدول روبه‌رو خواهد بود. از این رو، مبنای مسئولیت باید در رفتاری جدا از صرف خودداری از ازدواج جست‌وجو شود. این رفتار ممکن است تقصیر، فریب، بی‌احتیاطی شدید، سوءاستفاده از حق، اتلاف یا تسبیب در ورود ضرر یا لطمه به حقوق شخصیت طرف مقابل باشد. قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیز بر همین مبنا میان رفتار مجاز و رفتاری که به دلیل شیوه ارتکاب، منشأ زیان نامشروع می‌شود، تفاوت قائل است (Katouzian, 2009).

در نظام مسئولیت مدنی، تحقق مسئولیت معمولاً مستلزم وجود سه عنصر اصلی است: ضرر، فعل یا رفتار زیان‌بار و رابطه سببیت میان آن دو. در بسیاری از تحلیل‌ها، تقصیر نیز به‌عنوان مبنای انتساب مسئولیت مطرح می‌شود. در پرونده‌های مرتبط با نامزدی، احراز این عناصر باید با حساسیت بیشتری انجام شود، زیرا بخش مهمی از زیان‌های عاطفی یا مالی ممکن است صرفاً نتیجه طبیعی پایان یک رابطه باشد، نه نتیجه رفتار غیرمتعارف و قابل سرزنش طرف مقابل. برای مثال، ناراحتی عاطفی ناشی از پایان نامزدی، به خودی خود نمی‌تواند همواره مبنای جبران خسارت قرار گیرد؛ در غیر این صورت هر انصرافی عملاً مسئولیت‌زا خواهد بود. اما اگر شخص با رفتار تحقیرآمیز، انتشار اطلاعات خصوصی یا انتساب مطالب خلاف واقع به نامزد سابق خود، آسیب روانی یا حیثیتی مستقلی وارد کند، این زیان دیگر صرفاً نتیجه عدم ازدواج نیست و می‌تواند موضوع ارزیابی حقوقی قرار گیرد. مسئولیت مدنی در چنین وضعیتی ناشی از تجاوز به حقوق دیگری است، نه ناشی از استفاده صرف از حق عدول.

تقصیر در این حوزه می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. تقصیر عمدی زمانی مطرح می‌شود که شخص آگاهانه و با علم به زیان‌بار بودن رفتار خود، طرف مقابل را فریب دهد یا زمینه ورود خسارت را ایجاد کند. نمونه روشن آن ورود به نامزدی بدون قصد واقعی ازدواج با هدف دریافت هدایا، استفاده اقتصادی از خانواده طرف مقابل یا بهره‌برداری از موقعیت اجتماعی اوست. در چنین حالتی، ادعای آزادی عدول نمی‌تواند رفتار قبلی را توجیه کند؛ زیرا مسئولیت به سبب نبود قصد ازدواج و ایجاد اعتماد کاذب شکل می‌گیرد. مسئولیت مدنی بر پایه تقصیر، رفتار شخص متعارف را معیار مقایسه قرار می‌دهد و هرگاه فرد از سطح احتیاط لازم فاصله بگیرد و زیان قابل پیش‌بینی ایجاد کند، زمینه انتساب مسئولیت فراهم می‌شود (Katouzian, 2009). بنابراین، تقصیر لزوماً به قصد اضرار محدود نیست و بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی نیز می‌تواند در شرایط خاص مؤثر باشد.

یکی از مهم‌ترین مصادیق تقصیر، تأخیر نامتعارف در اعلام تصمیم قطعی به برهم زدن نامزدی است. ممکن است شخصی مدت قابل توجهی پیش از پایان رسمی نامزدی به این نتیجه رسیده باشد که قصد ازدواج ندارد، اما بدون دلیل موجه این تصمیم را پنهان کند و در این فاصله، طرف مقابل را به ادامه تدارکات، خرید وسایل، پرداخت هزینه‌های مراسم یا ترک فرصت‌های شغلی و تحصیلی تشویق کند. در چنین حالتی، اصل تصمیم به عدم ازدواج مشروع است، اما تأخیر در اعلام آن می‌تواند رفتاری زیان‌بار و قابل انتساب تلقی شود. معیار سنجش در این وضعیت، آن است که آیا شخص متعارف در همان شرایط باید می‌دانست که سکوت یا ادامه رفتارهای اطمینان‌بخش، طرف مقابل را به تحمل هزینه‌های اضافی سوق خواهد داد یا خیر. قواعد عمومی مسئولیت بر پیش‌بینی‌پذیری زیان و امکان انتساب عرفی آن به رفتار عامل تأکید دارند (Amiri Ghaemmaghami, 1999).

فریب و ارائه اطلاعات خلاف واقع نیز یکی دیگر از مبانی مهم مسئولیت است. دوران نامزدی معمولاً برای شناخت خصوصیات فردی، خانوادگی، مالی و اجتماعی طرفین است و ممکن است تصمیم نهایی به ازدواج بر اساس اطلاعاتی شکل گیرد که هر یک از طرفین درباره خود ارائه می‌کنند. اگر یکی از آنان درباره وضعیت

تأهل پیشین، هویت، وضعیت مالی، شغل، تحصیلات، اعتیاد، سوابق مهم یا سایر امور اساسی که عرفاً در تصمیم به ازدواج مؤثر است، آگاهانه اطلاعات نادرست ارائه دهد و طرف مقابل در نتیجه این اطلاعات وارد رابطه شود یا هزینه‌هایی انجام دهد، زیان ناشی از این فریب را نمی‌توان صرفاً نتیجه پایان نامزدی دانست. در ادبیات حقوقی، سوءعرضه واقعیت و ایجاد تصور خلاف واقع می‌تواند در صورت تحقق ضرر، مبنایی برای مسئولیت باشد، حتی اگر میان طرفین قرارداد الزام‌آور اصلی ایجاد نشده باشد (Shahidi, 2010). در چنین مواردی، رابطه سببیت میان فریب و خسارت باید به‌طور دقیق اثبات شود.

مفهوم سوءاستفاده از حق نیز در تبیین مسئولیت اهمیت دارد. حق برهم زدن نامزدی حقی مطلق از حیث نتیجه نیست، بلکه اعمال آن باید در چهارچوب کلی منع اضرار به دیگران تحلیل شود. اگر شخص صرفاً برای آسیب‌رساندن به نامزد خود، زمان و شیوه‌ای را برای اعلام انصراف انتخاب کند که حداکثر خسارت حیثیتی یا مالی را ایجاد کند، می‌توان استدلال کرد که رفتار وی فراتر از استفاده عادی از حق بوده است. برای مثال، اعلام عمومی برهم زدن نامزدی در شرایط تحقیرآمیز، انتشار دلایل خصوصی و شخصی در فضای عمومی یا استفاده از اطلاعات محرمانه طرف مقابل برای بی‌اعتبار کردن او، رفتارهایی هستند که هیچ ارتباط ضروری با اصل حق عدم ازدواج ندارند. دیدگاه‌های عمومی درباره مسئولیت مدنی از این اصل حمایت می‌کنند که وجود حق در یک زمینه، مجوز ورود ضرر غیرضروری در زمینه‌ای دیگر نیست (Katouzian, 2009).

عنصر ضرر در این حوزه نیز باید دارای شرایط عمومی خسارت قابل جبران باشد. زیان باید مسلم یا دست‌کم قابل اثبات، مستقیم و دارای ارزش حمایت حقوقی باشد. ضررهای فرضی، بسیار دور یا مبتنی بر انتظارات نامطمئن نباید جبران شوند. برای مثال، شخص نمی‌تواند صرفاً بر این اساس که اگر ازدواج انجام می‌شد در آینده از وضعیت مالی بهتر همسر خود بهره‌مند می‌شد، مطالبه خسارت کند؛ زیرا چنین منفعتی هنوز ایجاد نشده و تحقق آن نیز قطعی نبوده است. در مقابل، هزینه‌ای که مستقیماً و با اتکای معقول به اطمینان ایجادشده از سوی طرف مقابل برای برگزاری مراسم، تهیه مقدمات زندگی یا انجام اقدامات مشخص پرداخت شده است، می‌تواند در صورت وجود سایر شرایط مورد بررسی قرار گیرد. در حقوق مدنی، ضرر قابل جبران باید عرفاً قابل انتساب به رفتار عامل و از حالت احتمالی صرف خارج باشد (Amiri Ghaemmaghami, 1999).

رابطه سببیت مهم‌ترین ابزار برای محدود کردن دامنه مسئولیت است. بسیاری از هزینه‌های دوره نامزدی ممکن است با رضایت و ابتکار خود شخص انجام شده باشد و هیچ درخواست یا رفتار خاصی از سوی طرف مقابل در ایجاد آن نقش نداشته باشد. اگر نامزد بدون درخواست یا اطلاع طرف مقابل، هزینه‌های بسیار سنگین و غیرمتعارفی انجام دهد، دشوار است تمام آن هزینه‌ها را پس از برهم خوردن رابطه به دیگری تحمیل کرد. رابطه سببیت اقتضا دارد که خسارت نتیجه طبیعی و قابل پیش‌بینی رفتار زیان‌بار طرف مقابل باشد. نظریه‌های حقوقی در زمینه سببیت بر نقش عرف در تشخیص رابطه میان فعل و ضرر تأکید دارند و صرف تقدم زمانی یک رفتار بر زیان را کافی نمی‌دانند (Katouzian, 2009). بنابراین، دادگاه باید بررسی کند که اگر رفتار مورد ادعا رخ نمی‌داد، آیا خسارت نیز به‌طور معمول واقع نمی‌شد یا خیر. تقصیر زیان‌دیده نیز می‌تواند در تعیین میزان مسئولیت مؤثر باشد. رابطه نامزدی ذاتاً مرحله‌ای غیرقطعی است و طرفین باید تا حد معقولی احتمال عدم تحقق ازدواج را در نظر داشته باشند. اگر شخصی با وجود هشدارها، تردیدهای آشکار یا مخالفت صریح طرف مقابل، به انجام هزینه‌های غیرضروری و بسیار سنگین ادامه دهد، نمی‌تواند تمام زیان را به دیگری منتسب کند. این امر با اصل لزوم رفتار متعارف زیان‌دیده برای جلوگیری از توسعه خسارت

هماهنگ است. قواعد مسئولیت مدنی، رفتار خود شخص زیان‌دیده را نیز در زنجیره سببیت مورد توجه قرار می‌دهد و در صورتی که بی‌احتیاطی او در ایجاد یا افزایش خسارت مؤثر باشد، می‌توان دامنه جبران را محدود کرد (Katouzian, 2009).

از جهت مبنای حقوقی، مسئولیت ناشی از برهم زدن نامزدی را باید اصولاً مسئولیت قهری دانست نه قراردادی. چون نامزدی الزام به ازدواج ایجاد نمی‌کند، دشوار است گفته شود عدم ازدواج نوعی نقض قرارداد است. حتی اگر طرفین درباره برخی مقدمات توافق کرده باشند، اصل تعهد به ازدواج فاقد ضمانت اجرای قراردادی است. بنابراین، مسئولیت باید بر اساس رفتار زیان‌بار مستقل و قواعد عمومی جبران خسارت تحلیل شود. تعریف تعهدات خارج از قرارداد در حقوق مدنی نیز شامل مواردی است که الزام به جبران نه از توافق قبلی، بلکه از حکم قانون و وقوع ضرر ناشی می‌شود (Jafari Langroudi, 2008). این تحلیل از نظر نظری نیز مزیت دارد، زیرا از تبدیل نامزدی به قرارداد الزام‌آور جلوگیری می‌کند.

با این حال، ممکن است برخی توافقات جانبی دوران نامزدی ماهیت قراردادی مستقل داشته باشند. برای مثال، اگر طرفین درباره خرید مشترک مالی، پرداخت هزینه‌ای مشخص یا استرداد وجهی خاص توافق جداگانه داشته باشند، اجرای یا نقض آن توافق می‌تواند تابع قواعد قراردادی باشد. در این موارد، باید میان مسئولیت ناشی از برهم خوردن نامزدی و مسئولیت ناشی از نقض تعهد مالی مستقل تفکیک شود. حقوق تعهدات بر استقلال قراردادها و لزوم تحلیل هر رابطه حقوقی بر اساس موضوع و قصد طرفین تأکید دارد (Shahidi, 2010). بنابراین، صرف وقوع یک توافق در دوره نامزدی به معنای آن نیست که تمام تعهدات آن دوره غیرالزام‌آور است.

در مجموع، مسئولیت مدنی ناشی از برهم زدن نامزدی زمانی قابل تصور است که رفتار زیان‌بار مستقلی فراتر از صرف امتناع از ازدواج وجود داشته باشد، زیان قابل جبران تحقق یافته باشد و رابطه سببیت عرفی میان رفتار و ضرر اثبات شود. شدت تقصیر، وجود فریب، میزان اعتماد ایجادشده، زمان اعلام انصراف، میزان قابل پیش‌بینی بودن ضرر، رفتار خود زیان‌دیده و شرایط اجتماعی رابطه باید در ارزیابی نهایی لحاظ شوند. چنین رویکردی مانع آن می‌شود که مسئولیت مدنی به وسیله‌ای برای اجبار غیرمستقیم به ازدواج تبدیل شود، در عین حال اجازه نمی‌دهد آزادی عدول به پوششی برای رفتار زیان‌بار و غیرمنصفانه تبدیل گردد.

قلمرو خسارات و شیوه جبران زیان ناشی از برهم زدن نامزدی

تعیین قلمرو خسارات قابل جبران دشوارترین بخش مسئولیت مدنی ناشی از برهم خوردن نامزدی است، زیرا بسیاری از زیان‌های مطرح‌شده در این زمینه در مرز میان خسارت حقوقی، رنج عاطفی طبیعی و هزینه‌های متعارف زندگی اجتماعی قرار دارند. نخستین اصل آن است که هر هزینه یا زیانی که پس از نامزدی ایجاد شده، الزاماً قابل مطالبه نیست. همان‌گونه که اصل نامزدی تعهد قطعی به ازدواج ایجاد نمی‌کند، طرفین نیز باید در انجام هزینه‌ها احتمال شکست رابطه را در نظر داشته باشند. بنابراین، تنها خسارتی قابلیت جبران دارد که افزون بر وجود شرایط عمومی ضرر، عرفاً ناشی از رفتار تقصیرآمیز یا نامتعارف طرف مقابل باشد. قواعد مسئولیت مدنی بر این مبنا استوارند که جبران خسارت باید ناظر بر زیانی باشد که به‌صورت مستقیم و قابل انتساب به عامل وارد شده است، نه تمام پیامدهای نامطلوبی که به‌طور دور یا احتمالی پس از یک رفتار رخ می‌دهند (Katouzian, 2009).

نخستین دسته خسارات، هزینه‌های مستقیم و مالی مرتبط با مقدمات ازدواج است. این هزینه‌ها می‌تواند شامل مخارج مراسم نامزدی، تهیه لباس یا وسایل خاص، رزرو محل برگزاری مراسم، خرید وسایل زندگی مشترک، پرداخت بیعانه به ارائه‌دهندگان خدمات یا هزینه‌هایی باشد که عرفاً با هدف تحقق ازدواج انجام شده‌اند. با این حال، قابلیت مطالبه آنها وابسته به اوضاع و احوال

است. اگر این هزینه‌ها در شرایطی متعارف و با اطلاع و تأیید طرف مقابل انجام شده باشد و سپس روشن شود که او مدت‌ها پیش تصمیم قطعی به عدم ازدواج گرفته، اما عمداً این تصمیم را پنهان کرده است، امکان انتساب خسارت افزایش می‌یابد. در مقابل، اگر هزینه‌ها با تصمیم یک‌جانبه خانواده یکی از طرفین و بدون توافق یا درخواست دیگری انجام شده باشد، تحمیل آنها بر طرف مقابل دشوارتر خواهد بود. در تحلیل حقوق خانواده نیز میان هزینه‌هایی که از لوازم عرفی نامزدی محسوب می‌شوند و تعهدات حقوقی الزام‌آور تفاوت گذاشته می‌شود (Amirmohammadi, 2009).

موضوع هدایا وضعیت متفاوتی دارد، زیرا قانون مدنی برای برخی از آنها قواعد خاص پیش‌بینی کرده است. هدایایی که به مناسبت وصلت داده می‌شوند از حیث امکان استرداد تابع مقررات ویژه‌اند و باید با توجه به نوع مال، بقای عین و علت برهم خوردن وصلت بررسی شوند. وجود این مقررات نشان می‌دهد که قانون‌گذار آثار مالی ناشی از نامزدی را کاملاً به قواعد عمومی واگذار نکرده است. شرح‌های قانون مدنی بر این نکته تأکید دارند که انگیزه خاص اعطای هدایا، یعنی وقوع ازدواج، در تعیین امکان بازپس‌گیری آنها نقش دارد (Haeri Shahbagh, 2003). با این حال، استرداد هدایا را نباید با جبران خسارت یکی دانست؛ زیرا استرداد ناظر بر بازگرداندن مالی است که قبلاً داده شده، در حالی که خسارت ناظر بر جبران زیانی است که در نتیجه رفتار دیگری ایجاد شده است. دسته دیگر خسارات، هزینه‌های ناشی از تغییر برنامه زندگی است. ممکن است یکی از طرفین به اعتماد ازدواج قریب‌الوقوع از شغلی استعفا دهد، پیشنهاد کاری در شهر دیگری را رد کند، تحصیل خود را متوقف یا محل سکونت خود را تغییر دهد. امکان مطالبه چنین خساراتی باید با احتیاط بیشتری ارزیابی شود، زیرا رابطه سببیت میان نامزدی و تصمیم شخص ممکن است پیچیده باشد. اگر این تغییرات صرفاً ناشی از برداشت شخصی زیان‌دیده بوده و طرف مقابل در ایجاد آن نقشی نداشته است، مطالبه خسارت با دشواری مواجه می‌شود. اما اگر نامزد به‌طور صریح یا ضمنی طرف مقابل را به این تصمیم تشویق کرده و در همان زمان می‌دانسته است که قصد ازدواج ندارد، رفتار او می‌تواند در ایجاد خسارت نقش مستقیم پیدا کند. معیار اصلی، اعتماد معقول و قابل پیش‌بینی بودن زیان است. در حقوق تعهدات نیز برای انتساب خسارت، تنها وجود ضرر کافی نیست، بلکه باید رفتار شخص در ایجاد تصمیم زیان‌دیده نقش مؤثر داشته باشد (Shahidi, 2010).

بحث از دست رفتن فرصت نیز در این زمینه قابل طرح است. ممکن است شخص ادعا کند به دلیل نامزدی، پیشنهاد ازدواج دیگری را رد کرده و اکنون پس از برهم خوردن رابطه، فرصت ازدواج مطلوبی را از دست داده است. پذیرش چنین ادعایی با دشواری‌های جدی روبه‌رو است؛ زیرا ارزش‌گذاری مالی بر فرصت ازدواج، علاوه بر مشکلات اخلاقی و اجتماعی، از نظر اثباتی نیز بسیار نامطمئن است. هیچ تضمینی وجود ندارد که پیشنهاد دیگر به ازدواج منجر می‌شد یا آن ازدواج موفق بود. از این رو، چنین زیانی غالباً بیش از حد فرضی و نامعین است. مسئولیت مدنی تنها زیان‌های مسلم و قابل ارزیابی را جبران می‌کند و نباید بر احتمالات بسیار دور استوار شود (Katouzian, 2009). با این حال، اگر از دست رفتن یک فرصت اقتصادی مشخص و قابل سنجش، مانند پیشنهاد شغلی معین، مستقیماً در نتیجه رفتار فریبکارانه طرف مقابل باشد، ارزیابی آن ممکن است متفاوت باشد.

خسارات معنوی در پرونده‌های نامزدی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. پایان رابطه عاطفی غالباً با ناراحتی، اضطراب، احساس شکست یا آسیب روانی همراه است، اما پذیرش جبران همه این آثار می‌تواند به محدود کردن آزادی ازدواج بینجامد. بنابراین، باید میان رنج طبیعی ناشی از پایان یک رابطه و آسیب معنوی ناشی از رفتار نامشروع تفاوت گذاشت. اگر شخص تنها از

ادامه ازدواج منصرف شده و این تصمیم را محترمانه و در زمان مناسب اعلام کرده است، ناراحتی عاطفی طرف مقابل نباید به‌تنهایی مبنای مسئولیت باشد. اما اگر برهم زدن نامزدی با توهین، تحقیر، افشای اسرار خصوصی، نشر اکاذیب، نسبت‌های ناروا یا رفتارهایی که حیثیت و اعتبار اجتماعی طرف مقابل را تخریب می‌کند همراه شود، زیان معنوی مستقلی شکل می‌گیرد. مفهوم ضرر معنوی در حقوق مدنی ناظر بر لطمه به حقوق غیرمالی، حیثیت، اعتبار و عواطف مشروع اشخاص است و می‌تواند تحت شرایطی موضوع جبران قرار گیرد (Jafari Langroudi, 2008).

لطمه به حیثیت اجتماعی در برخی پرونده‌ها ممکن است آثار قابل توجهی داشته باشد، به‌ویژه در جوامعی که نامزدی دارای بازتاب گسترده خانوادگی و اجتماعی است. با این حال، مسئولیت نباید بر صرف وجود نگاه منفی اجتماعی نسبت به برهم خوردن نامزدی بنا شود؛ زیرا فردی که از ازدواج منصرف شده مسئول نگرش‌های عمومی جامعه نیست. مسئولیت زمانی تقویت می‌شود که خود او فعالانه در ایجاد یا تشدید آسیب حیثیتی نقش داشته باشد. برای مثال، انتشار ادعاهای خلاف واقع درباره علت برهم خوردن رابطه، نسبت دادن رفتارهای غیراخلاقی یا فاش کردن اطلاعات خصوصی به قصد توجیه تصمیم خود می‌تواند مصداق رفتار زیان‌بار باشد. در چنین مواردی، رابطه سببیت میان رفتار شخص و آسیب حیثیتی روشن‌تر است و دعوای جبران خسارت دیگر به اصل حق عدول ارتباط مستقیمی ندارد.

مسئله تعیین میزان خسارت نیز پیچیده است. در خسارات مالی، اسناد پرداخت، قراردادها، فاکتورها، رسیدهای بانکی و شهادت می‌تواند میزان زیان را تا حدی روشن کند. اما حتی در این موارد نیز باید مشخص شود چه بخشی از هزینه واقعاً بی‌فایده شده است و چه بخشی همچنان ارزش اقتصادی دارد. برای مثال، اگر شخصی وسیله‌ای برای زندگی آینده خریداری کرده که پس از برهم خوردن نامزدی همچنان قابل استفاده یا فروش است، نمی‌توان کل قیمت آن را خسارت تلقی کرد. اصل جبران کامل خسارت به معنای قرار دادن زیان‌دیده در وضعیتی نزدیک به وضعیت پیش از ورود ضرر است، نه فراهم کردن زمینه دارا شدن بلاجهت او. تحلیل‌های عمومی مسئولیت مدنی نیز جبران را محدود به زیان واقعی می‌دانند (Katouzian, 2009).

در خسارات معنوی، دادگاه با دشواری بیشتری مواجه است؛ زیرا ارزش مالی ثابت و عینی برای حیثیت، احساسات یا رنج روانی وجود ندارد. شیوه جبران نیز الزاماً نباید صرفاً مالی باشد. در برخی موارد، عذرخواهی، تکذیب مطالب منتشرشده، حذف محتوای زیان‌بار یا اقدامات اصلاحی می‌تواند نقش مهم‌تری از پرداخت پول داشته باشد. البته در چهارچوب حقوق موضوعه، تعیین نوع و میزان جبران باید با توجه به اختیارات قانونی دادگاه انجام شود. آنچه اهمیت دارد تناسب میان شدت رفتار، میزان آسیب، وضعیت طرفین و شیوه جبران است. جبران نباید به مجازات خصوصی تبدیل شود، زیرا مسئولیت مدنی اساساً کارکرد جبرانی دارد نه کیفری.

از حیث اثبات، بار اثبات خسارت و رابطه سببیت اصولاً بر عهده مدعی است. صرف ادعای اینکه نامزدی باعث هزینه یا آسیب شده کافی نیست. زیان‌دیده باید نشان دهد رفتار مشخص طرف مقابل چگونه به خسارت مورد مطالبه منتهی شده است. در روابط عاطفی، این مسئله دشوارتر می‌شود، زیرا بسیاری از تصمیم‌ها در فضای اعتماد، عرف و روابط خانوادگی اتخاذ می‌شوند و اسناد رسمی کمی وجود دارد. دادگاه در چنین مواردی ناگزیر است به مجموعه قرائن، پیام‌ها، مکاتبات، شهادت اشخاص، نحوه رفتار طرفین و توالی زمانی وقایع توجه کند. ارزیابی عرفی سببیت در این حوزه اهمیت ویژه دارد و نباید به رابطه صرفاً زمانی میان نامزدی و خسارت بسنده کرد (Katouzian, 2009).

قابلیت پیش‌بینی خسارت نیز معیار مهمی در تعیین دامنه مسئولیت است. اگر شخص بتواند به‌طور معقول پیش‌بینی کند که ادامه دادن ظاهری رابطه و تشویق طرف مقابل به انجام هزینه‌های مشخص، در صورت اعلام دیرهنگام انصراف موجب زیان خواهد شد، احتمال مسئولیت بیشتر می‌شود. در مقابل، خسارات عجیب، دور یا کاملاً شخصی که هیچ فرد متعارفی قادر به پیش‌بینی آن نبوده است، نباید بر عامل تحمیل شود. نظریه تعهدات از محدود کردن خسارات به نتایج متعارف و قابل انتساب رفتار حمایت می‌کند (Amiri Ghaemmaghami, 1999). این معیار در پرونده‌های نامزدی می‌تواند مانع گسترش نامحدود مسئولیت شود. موضوع هزینه‌های خانواده‌ها نیز نیازمند توجه است. در بسیاری از نامزدی‌ها، بخش مهمی از مخارج توسط والدین یا بستگان پرداخت می‌شود. در چنین مواردی باید روشن شود که زیان‌دیده واقعی چه کسی است و چه شخصی حق مطالبه دارد. نامزد نمی‌تواند لزوماً خساراتی را که والدین او از اموال خود پرداخت کرده‌اند، شخصاً مطالبه کند، مگر آنکه رابطه حقوقی خاصی وجود داشته باشد. این موضوع از اصل شخصی بودن حق مطالبه خسارت ناشی می‌شود. همچنین ممکن است برخی هزینه‌ها با رضایت و ابتکار خانواده‌ها انجام شده و طرف مقابل هیچ نقشی در آنها نداشته باشد. در این موارد نیز رابطه سببیت باید مستقل از رابطه عاطفی طرفین بررسی شود.

در خصوص هدایای مصرف‌شدنی یا اموالی که از بین رفته‌اند نیز تفاوت میان قواعد استرداد و مسئولیت اهمیت دارد. اگر مال به‌طور طبیعی و در جریان استفاده متعارف از بین رفته باشد، امکان مطالبه آن تابع مقررات خاص هدایا است. اما اگر یکی از طرفین عمداً مال متعلق به دیگری را تلف کرده باشد، قواعد عمومی اتلاف یا تسبیب ممکن است قابل اعمال باشد. در اینجا نیز نامزدی صرفاً زمینه وقوع رابطه است و مسئولیت از یک رفتار مستقل ناشی می‌شود. در حقوق مدنی، مسئولیت ناشی از تلف یا از بین بردن مال دیگری یکی از روشن‌ترین مصادیق ضمان قهری است (Emami, 1997).

رویه مطلوب قضایی در چنین پرونده‌هایی باید از دو خطر متقابل اجتناب کند. خطر نخست آن است که دادگاه هرگونه زیان ناشی از شکست نامزدی را قابل جبران بداند و در نتیجه، آزادی قانونی اشخاص برای عدول از ازدواج را محدود کند. خطر دوم آن است که با استناد مطلق به حق برهم زدن نامزدی، تمام رفتارهای زیان‌بار و فریبکارانه را مصون از مسئولیت بداند. راه‌حل مناسب، تمرکز بر منشأ واقعی خسارت است. اگر خسارت صرفاً از این واقعیت ناشی شده که ازدواج انجام نشده است، اصل بر عدم مسئولیت است؛ اما اگر خسارت نتیجه رفتار مستقلی مانند فریب، تحقیر، افشای اسرار، اتلاف مال، ایجاد هزینه با وعده‌های خلاف واقع یا تأخیر تقصیرآمیز در اعلام تصمیم باشد، امکان مسئولیت وجود دارد.

در تحلیل نهایی، شیوه جبران باید متناسب، هدفمند و محدود به زیان اثبات‌شده باشد. جبران خسارت نباید به ابزاری برای انتقام از نامزد منصرف‌شده یا جبران تمام آثار عاطفی شکست رابطه تبدیل شود. همچنین دادگاه باید سهم رفتار زیان‌دیده، عرف دوره نامزدی، میزان احتیاط متعارف، وضعیت اقتصادی طرفین و امکان کاهش خسارت را در نظر گیرد. چنین رویکردی با منطق مسئولیت مدنی هماهنگ‌تر است و به جای آنکه بر احساسات یا قضاوت اخلاقی درباره تصمیم به ازدواج تمرکز کند، بر رفتار حقوقاً زیان‌بار و قابلیت انتساب ضرر متمرکز می‌شود.

نتیجه‌گیری

نامزدی در حقوق ایران مرحله‌ای مقدماتی و غیرالزام‌آور نسبت به عقد نکاح است و هیچ‌یک از طرفین را نمی‌توان صرفاً به دلیل پذیرش اولیه ازدواج، ملزم به انعقاد نکاح دانست. اصل آزادی در انتخاب همسر و ضرورت وجود رضایت واقعی و مستمر تا لحظه انعقاد عقد، ایجاب می‌کند که هر یک از نامزدها بتواند پیش از ازدواج از تصمیم خود منصرف شود. از این منظر، برهم زدن

نامزدی به‌خودی‌خود عملی نامشروع و مسئولیت‌زا نیست و ایجاد ضمان مالی صرفاً به علت عدم انجام ازدواج با ساختار حقوق خانواده و فلسفه آزادی نکاح سازگار نخواهد بود.

با این حال، حق عدول از نامزدی نباید به مصونیت مطلق شخص در برابر پیامدهای رفتار زیان‌بار خود تبدیل شود. تحلیل مسئولیت مدنی در این حوزه باید بر پایه تفکیک دقیق میان «عدم ازدواج» و «رفتار زیان‌بار مرتبط با عدم ازدواج» انجام شود. اگر زیان صرفاً از این واقعیت ناشی شده باشد که رابطه به ازدواج منتهی نشده است، اصل باید بر عدم مسئولیت قرار گیرد. در مقابل، اگر شخص از ابتدا بدون قصد واقعی ازدواج وارد رابطه شده، اطلاعات اساسی خلاف واقع ارائه کرده، طرف مقابل را عمداً به انجام هزینه‌های غیرمتعارف واداشته، تصمیم قطعی خود به عدم ازدواج را با وجود امکان اعلام به‌موقع پنهان کرده یا شیوه برهم زدن رابطه را با تحقیر، افشای اسرار، توهین یا لطمه به حیثیت طرف مقابل همراه ساخته باشد، مبنای مستقل مسئولیت مدنی می‌تواند شکل گیرد.

مبنای مناسب برای این مسئولیت را باید عمدتاً در قواعد مسئولیت قهری جست‌وجو کرد، نه در مسئولیت قراردادی ناشی از نقض وعده ازدواج. نامزدی نمی‌تواند قرارداد الزام‌آوری تلقی شود که موضوع آن اجبار طرفین به انعقاد نکاح باشد. در نتیجه، عدم اجرای وعده ازدواج به‌تنهایی نقض تعهد قراردادی محسوب نمی‌شود. با این حال، ممکن است در دوران نامزدی توافقات مالی یا قراردادی مستقلی شکل گرفته باشد که عدم اجرای آنها تابع قواعد عمومی قراردادها باشد. چنین توافق‌هایی باید مستقل از اصل نامزدی بررسی شوند.

تحقق مسئولیت در این حوزه مستلزم اثبات رفتار زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه سببیت میان آن دو است. وجود تقصیر، اعم از عمد، بی‌احتیاطی یا رفتار نامتعارف، نقش مهمی در انتساب خسارت دارد. همچنین باید بررسی شود که زیان مورد ادعا مستقیم، قابل پیش‌بینی و قابل انتساب به رفتار طرف مقابل بوده است یا خیر. هزینه‌هایی که شخص بدون درخواست یا اطلاع طرف مقابل و صرفاً بر اساس برداشت شخصی خود انجام داده است، نمی‌تواند به‌آسانی مبنای مطالبه خسارت قرار گیرد. از سوی دیگر، اگر رفتار یک نامزد سبب ایجاد اعتماد نامتعارف و قابل اتکایی شده باشد و طرف مقابل بر اساس آن متحمل هزینه یا زیان شود، امکان مسئولیت افزایش می‌یابد.

قلمرو خسارات قابل جبران نیز باید محدود و دقیق تعریف شود. خسارات مالی مستقیم مانند هزینه‌های بی‌فایده‌ای که به‌طور متعارف و در نتیجه رفتار تقصیرآمیز طرف مقابل انجام شده‌اند، در صورت اثبات رابطه سببیت می‌توانند مورد مطالبه قرار گیرند. در مقابل، خسارات فرضی یا دور، از جمله منافع مالی احتمالی ناشی از ازدواجی که هرگز تحقق نیافته است، نباید قابل جبران شناخته شوند. همچنین ادعای از دست رفتن فرصت ازدواج دیگر، به دلیل عدم قطعیت و دشواری ارزیابی، اصولاً نمی‌تواند به‌سادگی مبنای جبران مالی قرار گیرد.

در زمینه خسارات معنوی نیز باید رویکردی محتاطانه اتخاذ شود. اندوه، ناراحتی یا احساس شکست ناشی از پایان یک رابطه، هرچند واقعی و قابل درک است، نباید به‌طور خودکار به خسارت حقوقی قابل مطالبه تبدیل شود. چنین نتیجه‌ای در نهایت آزادی عدول از نامزدی را محدود خواهد کرد. اما آسیب معنوی ناشی از رفتارهای مستقلی مانند توهین، تحقیر، انتشار اطلاعات خصوصی، نسبت دادن مطالب خلاف واقع یا تخریب حیثیت اجتماعی باید از صرف ناراحتی ناشی از پایان رابطه تفکیک شود و در صورت اثبات، می‌تواند زمینه مسئولیت را فراهم سازد.

در تعیین میزان خسارت، دادگاه باید تنها زیان واقعی و اثبات‌شده را در نظر گیرد. جبران نباید موجب دارا شدن بلاجهت زیان‌دیده شود و نیز نباید ماهیت تنبیهی پیدا کند. در خسارات مادی، میزان ارزش باقی‌مانده اموال، امکان استفاده مجدد از آنها، قابلیت استرداد یا فروش و سهم رفتار خود زیان‌دیده باید مورد توجه باشد. در

خسارات معنوی نیز شیوه جبران باید با ماهیت آسیب متناسب باشد و لزوماً محدود به پرداخت وجه نقد نباشد.

رفتار زیان‌دیده نیز در این حوزه اهمیت دارد. نامزدی ذاتاً مرحله‌ای غیرقطعی است و هر شخص متعارفی باید امکان عدم تحقق ازدواج را تا حدی در نظر داشته باشد. بنابراین، تصمیم‌های اقتصادی یا شخصی بسیار سنگین که بدون توافق طرف مقابل و بدون وجود اطمینان معقول انجام می‌شوند، نمی‌توانند تماماً به نامزد منصرف‌شده منتسب شوند. دادگاه باید بررسی کند که زیان‌دیده تا چه اندازه در ایجاد یا افزایش خسارت نقش داشته و آیا می‌توانسته با رفتار متعارف از توسعه زیان جلوگیری کند.

در نهایت، مناسب‌ترین راهکار برای نظام حقوقی ایران ایجاد توازنی میان دو اصل بنیادین است: آزادی شخص در تصمیم نهایی درباره ازدواج و لزوم جبران زیان ناروا. هیچ‌یک از این اصول نباید دیگری را به‌طور کامل کنار بزنند. آزادی ازدواج ایجاب می‌کند که صرف برهم زدن نامزدی موجب مسئولیت نباشد؛ در مقابل، عدالت جبرانی اقتضا دارد شخصی که از طریق فریب، سوءاستفاده، رفتار نامتعارف یا آسیب‌رسانی مستقل موجب زیان دیگری شده است نتواند صرفاً با استناد به حق عدول از ازدواج از مسئولیت رهایی یابد.

بر این اساس، می‌توان پیشنهاد کرد که رویه قضایی در پرونده‌های مرتبط با برهم خوردن نامزدی، به جای تمرکز بر «موجه یا ناموجه بودن تصمیم به ازدواج نکردن»، بر «شیوه رفتار طرفین» متمرکز شود. دادگاه نباید درباره انگیزه شخص برای عدم ازدواج داوری کند، مگر آنکه این انگیزه با رفتار زیان‌بار مستقلی ارتباط پیدا کند. تمرکز باید بر وجود فریب، میزان اعتماد ایجادشده، رفتارهای مقدماتی، نحوه و زمان اعلام انصراف، نوع و میزان هزینه‌ها، قابلیت پیش‌بینی زیان و رابطه مستقیم میان رفتار و خسارت باشد.

از منظر تقنینی نیز روشن‌تر شدن معیارهای مسئولیت در این حوزه می‌تواند از تعارض رویه‌ها جلوگیری کند. قانون‌گذار می‌تواند بدون لطمه زدن به اصل آزادی نامزدی، تصریح کند که عدول از ازدواج فی‌نفسه مسئولیت‌آور نیست، اما رفتار تقصیرآمیز مستقل که موجب ورود زیان مسلم و مستقیم شود تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی خواهد بود. چنین رویکردی هم با آزادی فردی در تشکیل خانواده سازگار است و هم از بی‌پناه ماندن شخصی که در نتیجه رفتار فریبکارانه یا نامتعارف دیگری متحمل خسارت شده جلوگیری می‌کند.

در مجموع، مسئولیت مدنی برهم زدن نامزدی در حقوق موضوعه ایران را باید نه مسئولیتی ناشی از عدم وفای به وعده ازدواج، بلکه مسئولیتی ناشی از نقض تکلیف عمومی خودداری از ایراد زیان ناروا دانست. مرز میان این دو، مرز میان آزادی و مسئولیت است. شخص در انتخاب همسر آزاد است و تا پیش از انعقاد عقد حق دارد از ازدواج منصرف شود، اما آزادی او شامل حق فریب دادن، تحقیر کردن، تلف مال، ایجاد اعتماد کاذب یا تحمیل زیان نامتعارف به دیگری نیست. تفسیر دقیق این مرز می‌تواند ضمن حفظ آزادی اراده در نکاح، زمینه حمایت مؤثرتر از حقوق اشخاص در دوره نامزدی را فراهم سازد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The engagement period occupies a distinctive position in Iranian family law because it lies between informal social commitment and the formal legal bond of marriage. Although engagement is commonly understood as a serious preliminary stage toward marriage, it does not create the legal status of spouses and does not generate the full set of rights and obligations arising from marriage. Iranian law therefore distinguishes clearly between a promise to marry and the marriage contract itself. This distinction is particularly important in determining whether the

termination of an engagement can give rise to civil liability. The central issue is not whether one party has the legal right to withdraw from the engagement, because Iranian law recognizes such freedom prior to the conclusion of marriage, but whether the manner in which this right is exercised may, in specific circumstances, cause legally compensable harm to the other party. The legal literature emphasizes that engagement should not be treated as an enforceable contract to marry, since compelling a person to conclude a marriage would be incompatible with the personal and consensual nature of marriage (Jalali, 2010). Similarly, the law of obligations does not support the application of ordinary contractual sanctions to promises that are inseparably connected with personal freedom and status (Shahidi, 2010). The purpose of the present study is therefore to explain and analyze the foundations, conditions, and scope of civil liability arising from the termination of engagement under Iranian positive law, while preserving the fundamental principle of freedom of marriage and distinguishing between the lawful decision not to marry and independent wrongful conduct that causes damage.

From the perspective of legal characterization, engagement in Iranian law is best understood as a preliminary and non-binding relationship rather than a contract that obliges the parties to marry. Article 1035 of the Iranian Civil Code reflects this approach by recognizing that a promise to marry does not create the marital bond and that either party may refuse to proceed with the marriage before the conclusion of the marriage contract. This rule is consistent with the broader understanding of marriage as a legal act requiring genuine and continuing consent at the time of its conclusion (Emami, 1997). The possibility of withdrawal is therefore inherent in the legal nature of engagement and should not itself be treated as wrongful conduct. At the same time, engagement is not entirely devoid of legal consequences, since certain financial and property relations may arise during this period. Legal commentators have noted that the special rules governing gifts exchanged in contemplation of marriage demonstrate that the legislature does not regard engagement as legally irrelevant (Haeri Shahbagh, 2003). The legal position is therefore intermediate: engagement does not create an enforceable duty to marry, but conduct occurring within the engagement period may still produce legal consequences when it affects property, dignity, privacy, or other protected interests. This distinction also prevents two opposite errors: treating every broken engagement as a contractual breach on the one hand, and treating all conduct occurring during engagement as a purely moral or private matter outside the reach of law on the other. The concept of civil liability becomes relevant precisely at this intersection, where lawful withdrawal from marriage may coexist with unlawful conduct independently attributable to one of the parties.

The most appropriate foundation for liability in this context is generally non-contractual rather than contractual liability. Because there is no enforceable obligation to marry, the mere refusal to proceed with the marriage cannot properly be characterized as a breach of contract. Civil liability must instead be based on wrongful conduct distinct from the refusal itself. Such conduct may include fraud, intentional misrepresentation, concealment of material facts, creation of unjustified reliance, unnecessary delay in announcing a final decision not to marry, encouragement of substantial expenditures despite a prior decision to withdraw, abuse of confidence, disclosure of private information, insult, humiliation, or damage to the other party's reputation. The general theory of civil liability requires the existence of legally recognizable damage, wrongful conduct attributable to the

defendant, and a causal relationship between the two (Katouzian, 2009). The distinction between the exercise of a legal right and the abusive or negligent manner in which that right is exercised is especially significant in engagement disputes. A person may lawfully decide not to marry, but this freedom does not authorize deception or the imposition of avoidable and foreseeable losses on another. The broader law of obligations likewise recognizes that liability may arise independently of a contractual duty where a person's conduct causes legally attributable harm (Amiri Ghaemmaghami, 1999). Accordingly, the central question should not be whether the terminating party had a "good reason" for refusing marriage, but whether that party engaged in conduct that was wrongful, unreasonable, deceptive, or harmful in a manner that falls outside the normal consequences of exercising the right to withdraw.

The requirement of damage must also be interpreted with caution because not every adverse consequence of a broken engagement should be compensable. Engagement is inherently uncertain, and both parties must be presumed to understand that the marriage may ultimately not occur. Therefore, emotional disappointment, ordinary sadness, or the normal social inconvenience resulting from the end of the relationship should not automatically constitute compensable damage, as such an approach would indirectly restrict the freedom to refuse marriage. By contrast, direct financial losses caused by independently wrongful conduct may be compensable when they are proven and reasonably attributable to that conduct. These may include unnecessary wedding-related expenses, deposits, travel costs, purchases made specifically in reliance on the imminent marriage, or other expenditures undertaken with the knowledge or encouragement of the other party. The analysis must focus on whether the expenditure was reasonable, whether the other party contributed to its creation, and whether the loss would have occurred in the absence of the wrongful conduct. Iranian civil liability doctrine places particular importance on the certainty and directness of damage and rejects purely speculative or remote losses (Katouzian, 2009). The same reasoning applies to claims involving lost opportunities, such as abandoning employment, education, relocation, or other life choices in reliance on the anticipated marriage. Such losses should only be recognized where the reliance was reasonable, the causal connection is sufficiently direct, and the other party's conduct materially contributed to the decision. Legal terminology in Iranian doctrine also distinguishes legally compensable harm from mere disappointment or non-actionable detriment (Jafari Langroudi, 2008). This distinction is essential to prevent civil liability from becoming a substitute sanction for refusal to marry.

Non-pecuniary harm presents an even more complex issue. The termination of an engagement may cause severe emotional distress, but a principled legal approach requires distinguishing between suffering that naturally results from the end of an intimate relationship and injury arising from separate unlawful conduct. Where the terminating party acts respectfully, promptly, and without deception or humiliation, the emotional consequences of the decision should generally remain outside the scope of civil liability. However, liability may become justified where the breakup is accompanied by defamation, disclosure of confidential information, false allegations, public humiliation, threats, insult, or other conduct that independently harms the dignity and reputation of the former fiancé or fiancée. The law of family relations recognizes the need to separate personal freedom in marriage from the protection of legally

recognized interests such as dignity and property (Amirmohammadi, 2009). Likewise, comparative and doctrinal discussions of family law emphasize that personal relationships do not exclude the operation of general legal duties where one party causes an independent and identifiable injury to another (Gorji & Safaei, 2005). The assessment of such claims should therefore consider the nature of the conduct, the context in which the engagement ended, the foreseeability and seriousness of the harm, the conduct of the injured party, and the extent to which the alleged damage resulted from the breakup itself rather than from a separate wrongful act. The injured party must also prove causation, and courts should carefully distinguish losses voluntarily assumed as part of the ordinary risks of engagement from losses specifically induced by the other party's misconduct. A balanced application of these principles protects legitimate reliance without transforming engagement into a binding obligation to marry.

In conclusion, civil liability for the termination of engagement under Iranian positive law should not be founded on the mere refusal to marry, because engagement does not create a legally enforceable duty to conclude the marriage contract. The legally appropriate distinction is between the freedom to withdraw from marriage and liability for independently wrongful conduct associated with that withdrawal. Civil liability may therefore arise where one party, through fraud, misrepresentation, unjustified inducement of expenditure, concealment of a final decision, abuse of confidence, humiliation, disclosure of private matters, or other wrongful behavior, causes direct and provable harm to the other party. Financial losses should be compensable only where they are certain, reasonable, and causally connected to such conduct, while speculative expectations and the ordinary consequences of a failed engagement should remain outside the scope of compensation. Non-pecuniary harm should likewise be limited to cases involving a distinct infringement of dignity, reputation, privacy, or other legally protected interests rather than the emotional pain naturally associated with the end of the relationship. The most coherent judicial approach is therefore to focus not on whether a person was justified in deciding not to marry, but on whether the manner in which that decision was formed, communicated, or implemented involved wrongful conduct that caused legally attributable harm. Such an approach preserves freedom of marriage while preventing that freedom from being used as a shield for deception, abuse, or unjustified injury, and it provides a balanced doctrinal framework for addressing civil liability in engagement disputes under Iranian law.

References

Amiri Ghaemmaghami, A. (1999). *Law of Obligations* (Vol. 1). Mizan Publications.

Amirmohammadi, M. R. (2009). *Civil Law: The Family Financial System*. Mizan Publications.

Emami, H. (1997). *Civil Law* (Vol. 4). Islamieh Publications.

Gorji, A., & Safaei, H. (2005). *A Comparative Study of Family Law*. University of Tehran Press.

Haeri Shahbagh, S. A. (2003). *Commentary on the Civil Code*. Ganj-e Danesh Publications.

Jafari Langroudi, M. J. (2008). *Intermediate Legal Terminology*. Ganj-e Danesh Publications.

Jalali, M. (2010). *Family Law: Marriage and Its Dissolution* (Vol. 1). Khorsandi Publications.

Katouzian, N. (2009). *Introductory Course in Civil Law: Legal Events and Civil Liability*. Enteshar Joint Stock Company.

Shahidi, M. (2010). *Effects of Contracts and Obligations* (Vol. 3). Majd Publications.

Vafadar, A. (2001). *Civil Law: Family Law*. Vafadar Publications.